

نگاهی روان‌شناختی-اجتماعی به باورهای تمدن‌ساز امام خمینی علیه السلام

محمد بهشتی*

چکیده

هدف این پژوهش پاسخ دادن به این سؤال است که: «عوامل و مؤلفه‌های تمدن اسلامی (در بعد مادی و معنوی) چیست و چه تلازمی بین این دو بعد وجود دارد؟». روش پژوهش عبارت از تحلیل نظری در محتوای آثار مکتوب باقی‌مانده از امام خمینی علیه السلام است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که: ۱. «تمدن اسلامی» حقیقتی است که در آن، عوامل مادی و معنوی تلازم دارند؛ ۲. بعضی از مؤلفه‌های تمدن اسلامی عبارتند از: دانش، پیشرفت و رفاه، معنویت، امنیت، سیاست، امت اسلامی و وحدت اسلامی و...؛ ۳. تمدن اسلامی مبتنی بر منظومه فکری امام خمینی علیه السلام توحیدمحور است و تمام مؤلفه‌های بالا، بر محور توحید جریان می‌یابند؛ ۴. اگر علم و فناوری و پیشرفت مادی اگر با مدیریت عقل و وحی باشد، جامعه رو به تکامل و تعالی خواهد رفت و چنانچه با مدیریت عقل و وحی نباشد، جامعه رو به انحطاط می‌رود. واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، تمدن مادی، توحیدمداری، دنیامداری، روان‌شناسی اجتماعی، امام خمینی علیه السلام

مقدمه

باورهای تمدن‌ساز افراد، به‌ویژه رهبران، از این جهت که یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتارها، عواطف، شناخت‌ها و نگرش‌های افراد، گروه‌ها و جوامع کوچک‌تر داخلی است، به‌ویژه آنگاه که آن رهبر، جایگاهی معنوی و کاریزماتیک داشته باشد، می‌تواند مورد توجه روان‌شناسان، به‌ویژه روان‌شناسان اجتماعی قرار گیرد. باورهای این رهبران می‌تواند زیربنای تمدنی یک ملت را مورد تأثیر قرار دهد و از عوامل بنیان‌ساز و بنیانگذار یک تمدن جدید به شمار آید.

تعاریف گوناگونی برای واژه تمدن، بیان شده است، ولی بیشتر این تعاریف با نگاه دنیوی و غیر اسلامی بوده‌اند. هنری لوکاس (به نقل از هانتینگتون)، تمدن را پدیده‌ای درهم‌تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد و نشان آن، پیشرفت در علم، هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است (ولایتی، ۱۳۹۲، ص ۷)؛ ابن‌خلدون جامعه‌شناس شرقی می‌گوید: جامعه‌ای حائز مدنیت است که با ایجاد حاکمیت، نظم‌پذیر شده و مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت کنند و از حالت زندگی فردی به زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده، موجب تعالی فضایل و ملکات انسانی چون علم و هنر شده است (همان).

براساس این دو تعریف، تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی و گام نهادن در نهادینه‌سازی امور اجتماعی و سیاسی است؛ عوامل شکل‌گیری تمدن و مدنیت عبارت است از: وجود امنیت، آرامش و ثبات در جامعه، کاهش اضطراب و دل‌مشغولی، وجود روحیه همبستگی و وحدت و اخوت و وجود روحیه تعاون و همکاری، گسترش اخلاقیات، رفاه نسبی و...

نگاه راهبردی امام خمینی علیه السلام درباره تمدن اسلامی، سه امر مهم است: ۱. تمدن اسلامی بر سایر تمدن‌ها مقدم است و مسلمانان در زمینه علم و تمدن پیش قدم بوده‌اند. وی تصریح می‌کند: «دانشمندان اروپا هم قائل به این مطلب‌اند که تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدن‌هاست و تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۹۰ و ۲۱۶)؛ ۲. امت اسلامی توانایی رسیدن به قله‌های پیشرفت علمی و توسعه صنعتی را دارد؛ «استعمارگران با سیاست‌های شیطانی، برنامه‌ریزی‌ها و تبلیغات گسترده مسلمانان را به حال رکود و عقب‌افتادگی نگاه داشتند و این‌گونه وانمود کردند که غربی‌ها نژاد برترند و دیگران پست و ناقص‌اند و نتیجه این شد که ما از خود هیچ نداریم و امروزه باید علم، تمدن و پیشرفت را از آنان بگیریم» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۷)؛ ۳. دغدغه مهم امام خمینی علیه السلام رسیدن به تمدن جامع و همه‌جانبه است، ایشان می‌گوید: «همه با هم به سوی یک تمدن صحیح جلو برویم، تمدن الهی، تمدن رسول الهی، تمدنی که همه»

عرصه‌ها و زمینه‌های اجتماع نمود پیدا کند و از همه جهت، جامعه اسلامی متمدن باشد نه فقط در علم، فن و مسائل دنیوی، بلکه از لحاظ معنوی نیز رشد کند و روح توحید در همه عرصه‌های جامعه حکم‌فرما باشد» (همان، ج ۶، ص ۲۱۶ و ج ۹، ص ۸۲): «نهضت ما نهضتی متمدن و پیشرفته است و ما در پی فرهنگ مستقل، اقتصاد صحیح و سالم، سیاست و حکومت صحیح و سالم و مستقل و آزادی صحیح و سالم هستیم» (همان، ج ۴، ص ۱۷۳).

نگاه مقام معظم رهبری نیز درباره «تمدن» نگاهی دقیق، عمیق و کارساز است؛ در این باره به دو نکته از متن سخنان ایشان اشاره می‌شود: نخست اینکه، تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بنا شد و با معنویت به جنگ برخاست، پس این تمدن مادی و دور از معنویت هرچه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می‌شود و همه بشریت را با میوه‌های زهرآگین خود تلخ‌کام می‌کند، مثل ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی، طغیان سرمایه‌داری افراطی، ...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۷۴ و ۷۵)؛ دوم اینکه برای ایجاد تمدن اسلامی، مانند هر تمدن دیگر دو عنصر اساسی لازم است، یکی تولید فکر و دیگری پرورش انسان؛ فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است، یک اقیانوس است، سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن، کاری است که از معارف اسلامی ممکن است» (سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

پیشینه پژوهش

در مورد عنوان عام تمدن و تمدن اسلامی آثار فراوانی وجود دارد؛ از جمله: تاریخ تمدن ویل دورانت ترجمه احمد آرام، تاریخ تمدن اسلام و عرب نوشته هادی خاتمی بروجردی، تاریخ تمدن، هنری لوکاس ترجمه عبدالحسین آذرنگ، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی‌اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران نوشته دکتر علی‌اکبر ولایتی، اما درباره موضوع این مقاله که بحث از مؤلفه‌ها و عوامل تمدن از نگاه امام خمینی علیه السلام است، اثری دیده نشد، به جز اثری، که هرچند با عنوان «تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام» است، اما مجموعه چهارده سخنرانی عمومی درباره پاسداشت میلاد صدمین سال ولادت حضرت امام خمینی علیه السلام است و در آن بحثی درباره مؤلفه‌ها و عناصر تمدن اسلامی در نگاه امام خمینی علیه السلام نشده است. این در حالی است که اکنون پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب و توجه بسیاری از مستضعفان جهان، به‌ویژه مسلمانان در کشورهای مختلف، از یک‌سو و فعالیت تمام‌قد فرهنگی و اجتماعی دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی در جهت شکست دادن آن، از سوی دیگر، ضرورت مطالعات عمیق و تحلیل

بنیان‌های فکری امام راحل رحمته‌الله، و بیان آن در قالب رشته‌های مختلف علوم انسانی را بیش از پیش نشان می‌دهد؛ متأسفانه، رویکردهای امام راحل که منطبق با آموزه‌های اصیل اسلام ناب محمدی است، در جامعه ما به اندازه کافی تئوریزه نشده است؛ بنابراین، مقاله حاضر بر آن است تا اندکی از آن وظیفه بسیار را انجام دهد و از اصیل‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر تمدن اسلامی از نگاه امام خمینی رحمته‌الله را بررسی کند.

۱. علم و دانش

از نگاه امام خمینی رحمته‌الله علم نور است و سرمایه، در دنیا مایه عزت، اعتبار، لذت و سرور و پیشرفت است و در آخرت دست مایه سعادت ابدی است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۵). ایشان در این باره به چهار نکته کلیدی اشاره کرده است.

نخست: دانش دو قسم است، دانش دنیایی که برای سامان یافتن زندگی دنیوی است و دانش آخرتی که به منظور رسیدن به مقامات و مدارج اخروی است. امتیاز این دو دانش به امتیاز نیت‌ها و انگیزه‌هاست (همان، ص ۳۹۶)؛

دوم: دانش‌افزایی تا بدان پایه ارزشمند است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: خداوند جوینده دانش را به راه بهشت می‌برد و فرشتگان بال‌های خود را از سر رضایت و خشنودی برای جوینده دانش می‌گسترانند و همه موجوداتی که در آسمان و زمین‌اند حتی ماهیان دریا برای جوینده دانش طلب مغفرت می‌کنند، همانا برتری عالم بر عابد، همچون برتری ماه بر ستارگان در شب بدر است (همان، ص ۴۱۱-۴۲۱)؛

سوم: امام خمینی می‌فرماید: «باید دانشگاه و حوزه مهذب بشود. این دو مرکز که مرکز علم است هم می‌تواند مرکز تمام گرفتاری‌های بشر باشد و هم می‌تواند مرکز ترقیات معنوی و مادی بشر باشد، علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می‌توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۳ و ۴۱۷)؛

چهارم: همچنین ایشان می‌فرماید: «ما نباید در برنامه صنعتی کردن مملکت سراغ مونتاژ برویم بلکه باید به سراغ صنایع مادر برویم و نوسازی را به بهترین وجه انجام دهیم» (همان، ج ۲۱، ص ۴۳۴ و ۵، ص ۲۹۴).

۲. دین و معنویت

اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عامل تمدن اسلامی و راه‌حل برای بحران جامعه بشری معنویت است.

مقصود از معنویت، اعتقاد به خدا و معاد و ارتباط روحی با معبود از طریق عبادت، دعا، نیایش، تضرع و ابتهال و سرسپردن به دین است؛ بدیهی است که این امور در نگاه امام علیه السلام منحصر به زندگی فردی نیست، بلکه باید در اعماق و در تمام تار و پود جامعه و نهادهای اجتماعی حضور پیدا کند؛ امام نقش معنویت را در سه امر خلاصه می‌کند:

۱. کلید دردها؛ «این مسلم است که از نظر اسلامی حل تمامی مشکلات و پیچیدگی‌ها در زندگی انسان‌ها تنها با تنظیم روابط اقتصادی به شکل خاص حل نمی‌شود و نخواهد شد، بلکه مشکلات را در کل در یک نظام اسلامی باید حل کرد و از معنویت نباید غافل بود که کلید دردهاست» (همان، ج ۵، ص ۴۳۷). وی در نامه تاریخی خود به گورباچف این چنین یادآور شده است: «مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست؛ مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و خواهد کشید» (همان، ج ۲۱، ص ۲۲۱). اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق عدم اعتقاد به معنویت است (همان، ص ۲۲۲). معنویت منشأ همه فضایل اخلاقی است و هیچ عاملی به اندازه اعتقاد و ایمان به خدا در تربیت اخلاقی انسان مؤثر نیست.

۲. عامل قدرت؛ معنویت عامل قدرت است؛ «انسانی که غیر خدا را از دل خود بیرون رانده و تنها به ریسمان الهی چنگ زده و توجه دارد که او مبدأ همه قدرت‌هاست، دیگر از هیچ طاغوتی نمی‌ترسد و اتکای او به قدرت لایزال الهی موجب پیروزی بر دشمنان خواهد شد و یاری خداوند متعال را به دنبال خواهد داشت» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۴۷۱). معنا و مفهوم معنویت از نگاه امام خمینی علیه السلام، رو به عالم غیب داشتن و وارستگی پیشه کردن و از انانیت و دنیازدگی روی برتافتن است، ایشان می‌فرماید: «آن عاملی که از اول اسلام را تقویت کرد و موجب پیشرفت اسلام شد، همین امر معنویت بود و آن عبارت از پُشت به دنیا کردن و رو به عالم غیب داشتن، پُشت به انانیت خود کردن و رو به رحمت الهی و قدرت الهی داشتن است» (همان، ج ۱۱، ص ۳۶۹).

۳. عامل پیشرفت و توسعه؛ از نگاه امام خمینی علیه السلام، پیشرفت و توسعه فراتر از آن چیزی است که امروزه در مورد پیشرفت و توسعه گفته می‌شود بلکه ایشان به همه‌جانبه‌نگری، جامعیت مفهوم پیشرفت و توسعه نظر داشته است. پیشرفت و توسعه هم ناظر به بعد مادی انسان است و هم ناظر به بعد معنوی. تأمین نیازهای دنیایی و مادی انسان و برآورده شدن نیازهای معنوی و حیات اخروی او حقیقتی است که آن را پیشرفت و توسعه می‌نامیم. آنچه پیشرفت و توسعه جامع را رقم می‌زند، معنویت است. «اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و سایر شئون زندگی بشر وارد شود، پیچیده‌ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می‌شود»

(همان، ج ۵، ص ۴۱۰). افزون بر اینکه معنویت مطالبه فطرت انسان است. با توجه به اهمیت و جایگاه معنویت، شایسته است نگاهی دیگر بر معنا و مفهوم معنویت، اقسام معنویت و دستورالعمل‌های تقویت معنویت داشته باشیم.

مفهوم‌شناسی معنویت

معنویت به معنای معنوی بودن در برابر مادی، ظاهری و صوری بودن است و به وسیله قلب شناخته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳ و معین، ۱۳۷۱) و بر مجموعه جنبه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسان اطلاق می‌شود (انوری، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۷۱۸۲). اما در اصطلاح، معنویت حقیقتی است که براساس اعتقاد به عالم غیب و باورهای باطنی چون اعتقاد به خدا، باور به معاد و حیات اخروی و ارتباط روحی با معبود از راه عبادت، نیایش، تضرع و ابتهال شکل می‌گیرد. امام خمینی علیه السلام انسان را دارای سه نشئه مادیت، برزخیت و آخرت می‌داند و در این باره می‌گوید: «عوامل وجود دارای سه نشئه است؛ مُلک، ملکوت و عالم عقل (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۵)، انسان نیز دارای ظاهر و باطن مثالی و باطن عقلی است و معنویت در باطن انسان تعبیه شده و از نیازهای ذاتی، فطری و درونی آدمی است و باید آن را شکوفا ساخت» (همان، ص ۳۷۸، ۳۹۱ و ۴۱۷).

گونه‌شناسی معنویت

معنویت در یک طبقه‌بندی کلی سه گونه است: الف) معنویت دروغین؛ هرگونه معنویتی همچون معنویت اومانیستی، معنویت تخدیری، معنویت لیبرالیستی، معنویت سکولاریستی و خرافه‌ای و... که ما را از خداوند غافل و دور کند و بحران هویت به وجود آورد. معنویت نیست؛ ب) معنویت تک‌بعدی؛ برخی پنداشته‌اند معنویت تنها در بستر خلوت و عزلت و انزواگزینی و به دور از جامعه و بی‌تفاوتی نسبت به آن شکل می‌گیرد: «خیال می‌کردند کسی که عارف است باید دیگر به کلی کناره گیرد از همه چیز و برود کنار بنشیند و یک قدری ذکر بگوید و یک قدری چه بکند... در شهر هرچه می‌خواهد بگذرد، من اهل سلوکم، بروم یک گوشه‌ای بنشینم و ورد بگویم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۱۱۶)؛ ج) معنویت رهایی‌بخش؛ معنویت اصیل و راستین معنویتی است که دارای سه بعد است؛ یکی، بعد شخصی و فردی است که در سیر و سلوک انجام می‌پذیرد. بُعد دوم؛ یافته‌ها و دستاوردهاست که شاید بتوانیم نام آن را تجربه دینی بنامیم. بعد سوم؛ آثار و نتایجی است که در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ظاهر می‌شود و رابطه وثیق و عمیق

با کرامت، حریت و عدالت دارد.

«تحول معنوی و تحول عرفانی که به واسطه قرآن پیدا شده است، فوق همه مسائل است» (همان، ج ۱۸، ص ۲۶۱)؛ «اسلام جامع تمام جهات مادی و معنوی و غیبی و ظاهری است، زیرا انسان دارای همه مراتب است و قرآن کتاب انسان‌سازی است»، (همان، ج ۲۰، ص ۱۱۳-۱۱۵)؛ «اسلام مادیات را جوری تعدیل می‌کند که به الهیات منجر شده است، یعنی در مادیات نیز به نظر الهیاتی نظر می‌کند» (همان، ج ۶، ص ۴۶۷).

دستورالعمل‌های تقویت معنویت

امام خمینی علیه السلام به صورت پراکنده در آثار خویش از تقویت معنویت سخن گفته و به دستورالعمل‌ها و راهکارهایی برای تقویت معنویت اشاره کرده است؛ از جمله:

۱. تفکر؛ «تفکر مقدمه لازمه حتمیه سلوک انسانیت است» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵) و افضل از جمیع عبادات (همان، ص ۱۹۶) و عامل رشد عقل و معنویت است (همان، ص ۲۲). پیداست اگر انسان در لطائف آفرینش و خلقت الهی و اتقان صنوع و در خود و اسرار وجودی خود و فلسفه خلقت تفکر کند، سبک زندگی او الهی و آسمانی و معنوی می‌شود.
۲. عبادت؛ امام خمینی علیه السلام اثر عبادت را در سه امر مهم خلاصه کرده است: «الف) عبادت روح را بر قوای بدن چیره می‌کند بدان‌سان که روح دارای سلطنت و قدرت و نفوذ می‌شود که به مجرد اراده، بدن را به هر کاری بخواهد وادار می‌کند؛ ب) عبادت انسان را صاحب اقتدار می‌سازد و او را از معاصی باز می‌دارد؛ ج) عبادت انسان را به تدریج با ذکر و فکر مأنوس می‌سازد و تعلق قلب او را نسبت به دنیا می‌کاهد» (همان، ص ۱۲۵-۱۲۶).
۳. مراقبه و محاسبه؛ «اگر انسان بخواهد معنویت خود را تقویت کند باید گناه نکند و عهد و میثاق الهی را نشکند و برای این مهم از خود مراقبت کند و کسانی را وادار کند که از او مراقبت نمایند و نیز از خود حساب بکشد و محاسبه نفس داشته باشد» (همان، ص ۹ و ۱۰).
۴. موازنه؛ مقایسه و سنجش لذت‌ها و آلام و منافع و ضررهای اعمال نیک و اعمال بد را موازنه می‌نامیم. اگر آدم عاقل لذت‌های دنیایی و اخروی را با هم مقایسه کند، رنج‌ها و عذاب‌های دنیوی و اخروی را نیز در ترازوی ارزیابی قرار دهد؛ بی‌شک از گناه و شرّ و فساد دست می‌کشد و به سوی معنویت شتابان می‌رود. کافی است عذاب قبر و قیامت را با سختی‌های دنیایی مقایسه کنیم» (همان، ص ۱۸-۲۴).
۵. ولایتمداری؛ تسلیم بودن در برابر معصومان علیهم السلام، دستورالعملی بسیار مؤثر در رشد معنویت

است (همان، ص ۴۳۹). «ائمه معصومین (علیهم السلام) مظهر جمیع صفات و اسمای خداوند هستند و واسطه فیض و جلوه او می باشند و در نظام آفرینش قدرت تصرف ویژه دارند و ارتباط با آنها و تسلیم در برابر آنها بهترین راه برای تقویت معنویت است» (همان، ص ۴۸۵ و ۵۳۱).

۶. مراقبت تام از حقوق دیگران؛ «اگر ما از پیامبر ختمی مرتبت الگو بگیریم و بارقه ای از عشق او به مردم در ما ایجاد شود و خیر همه را بخواهیم معنویت در ما رشد خواهد کرد» (همان، ص ۳۶).

۳. امنیت

یکی از عوامل مهم در زایش و اعتلای تمدن، امنیت است. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در سال سیزدهم بعثت به مدینه هجرت کرد، زیرا فضای مدینه و امنیت حاکم بر آن می توانست برای پیشبرد اسلام و تحکیم و تثبیت ارکان حاکمیت اسلامی و زمینه سازی برای تمدن اسلامی بسیار نافع باشد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: همه مردم در هر جامعه ای به سه چیز سخت نیاز دارند؛ امنیت، عدالت و رفاه.^۱ در این روایت عدالت و رفاه در کنار امنیت ذکر شده اند، اما تأمین رفاه و عدالت اجتماعی نیز وامدار وجود امنیت است؛ امام خمینی (رحمته الله علیه) در مورد زوایا و ابعاد گوناگون امنیت، به صورت نظام مند سخن گفته است که به اختصار اشاره می کنیم.

مفهوم شناسی

امنیت به معنای در امان بودن از خطر و نداشتن ترس و برخورداری از آرامش و آسایش مادی و معنوی است و در اصطلاح کاهش اضطراب و دل مشغولی و ایجاد فضای مناسب برای به دست آوردن رفاه نسبی و آسایش مادی و معنوی است؛ بدان سان که افراد جامعه نسبت به آنچه به طور طبیعی دارند و یا به دست آورده اند، هراسی نداشته باشند که آن را از دست بدهند و نیز بتوانند آنچه را ندارند به طریق عادلانه و بدون خوف به دست آورند (دهخدا، ۱۳۷۳؛ انوری، ۱۳۸۲ و معین، ۱۳۷۱).

گونه شناسی

امنیت دارای گونه ها، مصادیق و اقسام گوناگون است:

۱. امنیت روانی: معنا و مفهوم امنیت روانی کاهش و زوال اضطراب، نگرانی، ترس، وحشت،

۱. ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرّاً إليها: الامن و العدل و الخصب (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۸، ص ۲۳۴).

بی‌ثباتی و تزلزل خاطر و برخورداری از مقام اطمینان است؛ «اگر انسان قیام به وظیفه کند و موفق به خدمت شود نگرانی ندارد، نگرانی آنجاست که به خدمت قیام نکند و از وظیفه، خدا نخواسته شانه خالی کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۰۸). امنیت روانی مسلمان، تابعی از انجام وظیفه الهی است؛ «اگر ما برای مقاصد اسلامی، برای مقاصدی که انبیای خودشان را به آب و آتش زدند، اولیای عظام خودشان را به کشتن دادند، بترسیم و اقدام نکنیم، دین نداریم... ما از چه بترسیم؟! آن باید بترسد که غیر از این عالم جایی ندارد» (همان، ج ۱، ص ۷۲).

۲. امنیت اجتماعی: حکومت وسیله‌ای برای تحقق اهداف عالی انسانی و الهی است که مهم‌ترین آن اهداف عبارت است از: تحقق دیانت، امنیت، عدالت، رفاه و تربیت؛ در پرتو حکومت عدل و برافراشته شدن پرچم اسلام، امنیت و رفاه و آسایش حاصل می‌آید (همان، ج ۵، ص ۵۱۸). «همه نهاد‌های اجتماعی اعم از قوه مجریه، قضائیه، مقننه و مجلس خبرگان و نیروهای نظامی و انتظامی برای ایجاد امنیت و حفظ آن می‌باشد» (همان، ج ۱۷، ص ۱۱۳). امام خمینی رحمته‌الله سخن خود را به فرمایش بلند امیر مؤمنان مستند می‌کند که خدایا تو می‌دانی ما برای به دست گرفتن قدرت سیاسی یا به چنگ آوردن ثروت قیام نکرده‌ایم، بلکه برای این بوده که بندگان ستم‌دیده‌ات امنیت پیدا کنند و قوانین تعطیل شده به اجرا درآید.^۱ امنیت اجتماعی شامل حیطه‌های قضایی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تولید، شغلی و... می‌شود.

۳. امنیت مسلمانان: حوزه امنیت گسترده‌تر از امنیت داخلی است، بلکه افزون بر امنیت کشور اسلامی، جان و مال و ناموس مسلمانان نیز باید امنیت داشته باشد: «دفاع از ناموس مسلمین و جان مسلمین و مال مسلمین و کشور مسلمین یکی از واجبات است» (همان، ج ۱۵، ص ۱۱۷ و ج ۱۱، ص ۱۵۹).

راهبردهای ایجاد و تقویت امنیت

امام خمینی رحمته‌الله برای ایجاد و تقویت امنیت راهبردهایی را ارائه داده است. این راهبردها به دو گروه راهبردی و عملیاتی تقسیم می‌شود؛ البته تمامی این راهبردها با هم، یک منظومه مشخص را برای ایجاد و تقویت امنیت به وجود می‌آورند و هر یک به تنهایی نمی‌توانند ایجاد امنیت کنند. در اینجا با استناد به متن سخنان امام خمینی رحمته‌الله به ده مورد از این راهبردها اشاره می‌کنیم:

۱. انگیزه اصلی و موتور محرک ایجاد امنیت، امر الهی و امر قدسی است و مسئولین ایجاد و حفظ امنیت، لازم است براساس عقیده و دینداری و دین‌مداری در این راه گام نهند (همان، ج ۱۳،

۱. (فیأمن المظلومون من عبادک و تقام المعطلة من حدودک) (نهج‌البلاغه، قصار ۱۳۱).

- ص ۲۷-۱۸۲ و ج ۲۰، ص ۲۷۵، ۴۸۶ و ج ۱۸، ص ۲۳۱). دفاع ما از اسلام و خودمان براساس دستور الهی است و این دفاع صرف دفاع از کشور نیست (همان، ج ۱۳، ص ۳۴۱). «مسئله، مسئله عقیده است نه مسئله مادیت و به دست آوردن چیزی...» (همان، ج ۱۳، ص ۲۷)؛
۲. ایجاد و حفظ امنیت، تنها وظیفه مسئولان مربوطه نیست؛ بلکه بر هر یک از افراد فرض و واجب است که وظیفه الهی و دینی خود را در این راستا ایفا کنند. همین امر موجب شد که امام خمینی علیه السلام نهاد بسیج مردمی را به وجود آورد (همان، ج ۱۷، ص ۴۲۴)؛
۳. ضرورت هماهنگی میان نهادهای دفاعی امنیتی؛ امام خمینی علیه السلام معتقد است از مسائل بسیار مهم کشور هماهنگی بین نیروهای مسلح است؛ آنها باید با هماهنگی عمل کنند و مراقب باشند هر کدام راه جداگانه‌ای را طی نکنند (همان، ج ۱۳، ص ۴۰، ۴۳)، زیرا ارتباط گرم نیروهای نظامی و انتظامی با همدیگر و ارتباط آنها با مردم موجب قوت وطمأنینه و در برابر جدایی آنها، سبب تزلزل می‌شود (همان، ج ۱۱، ص ۴۴)؛
۴. لزوم ارتباط وثیق و عمیق با مردم؛ نیروهای دفاعی امنیتی باید همیشه با اتحاد و همدلی همراه ملت باشند (همان، ج ۷، ص ۸۷) و خود را از مردم جدا ندانند و مردم نیز این نیروها را از خودشان بدانند (همان، ج ۹، ص ۲۱۷)؛
۵. لزوم رعایت نظم؛ نیروها باید نظم و سلسله مراتب را رعایت کنند و رعایت نظم را جزئی از اسلام بدانند و مراقب باشند که رعایت نکردن نظم باعث تزلزل می‌شود (همان، ج ۱۹، ص ۴۲ و ج ۷، ص ۸۷)؛
۶. آمادگی کامل دفاعی و امنیتی: کشور اسلامی ایران باید در همه حال برای دفاع از ارزش‌های اسلامی در آمادگی کامل باشد و مسئولین باید نسبت به تقویت نیروهای مسلح در همه شرایط توجه داشته باشند و غفلت از آن، مشکلات فراوانی به وجود می‌آورد، غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، باعث طمع دشمنان به تهاجم به کشور اسلامی می‌شود (همان، ج ۲۱، ص ۳۵۸)؛
۷. لزوم بهره‌مندی از تمام امکانات مادی و معنوی برای ایجاد، گسترش و حفظ امنیت و برای مقابله با دشمن و حفاظت از انقلاب اسلامی و صیانت از مکتب اسلام (همان، ج ۸، ص ۳۸۰)؛
۸. لزوم پرهیز از غرور، انانیت و منیت؛ امام خمینی علیه السلام پیوسته این اصل راهبردی را تکرار می‌کردند که: سپاه، ارتش و بسیج باید از منیت به شدت پرهیز کنند و برای خدا تلاش کنند و سعی کنند یک‌واحد باشند که اگر یک‌واحدی باشند، کسی نمی‌تواند آنها را بشکند (همان، ج ۱۹، ص ۲۳۸)؛
۹. بازسازی معنوی و اعتقادی؛ امام خمینی علیه السلام اعتقاد دارد که از اصول مهم راهبردی دفاعی و

امنیتی توجه نیروها به اصل بازسازی معنوی و اعتقادی است، زیرا همه در میدان نبرد و کارزار آموخته‌اند و تجربه کرده‌اند که معنویت و ایمان چقدر در پیروزی‌ها و موفقیت‌ها و بالا بردن توان و استقامت نیروها مؤثر است (همان، ج ۲۱، ص ۳۵۸)؛

۱۰. حفظ و تقویت سه اصل راهبردی در کنار هم (ایمان، وحدت و نظم)؛ امام خمینی رحمته‌الله می‌فرماید: باید تا آخر همین رویت و سیاست، یعنی ایمان، وحدت و نظم حفظ و تقویت گردد و نیروهای مسلح کشور اعم از سپاه و ارتش در کنار یکدیگر به سازندگی و رشد و تقویت بنیه‌های دفاعی اسلام و کشور همت گمارند (همان، ص ۳۵۷).

۴. سیاست

واژه سیاست عربی است و ریشه آن ساس و به معنای تدبیر کردن، اداره کردن، حکم راندن، ریاست کردن، حراست کردن و سرپرستی امور جامعه است (ابن فارس، ۱۴۱۰ق و ابن منظور، ۱۴۰۸ق)؛ سیاست دارای سه رکن است: ۱. تدبیر، مدیریت و سامان دادن؛ ۲. وجود نهادهای سیاسی اجتماعی؛ ۳. تعیین و تنظیم روابط و مناسبات اجتماعی؛ مباحث مربوط به سیاست را با استفاده به متن سخنان امام خمینی رحمته‌الله پی می‌گیریم:

از نگاه امام خمینی رحمته‌الله سیاست به معنای تدبیر امور جامعه و اداره کردن مسائل اجرایی کشور از بنیان‌های وثیق تمدن است، البته سیاست سه قسم است: اول، سیاست شیطانی که مبتنی است بر قدرت‌طلبی، زورگویی، دروغ و خدعه و فریب و ستمکاری؛ و به جای حفظ مصالح کشور به دنبال سلطه‌جویی و توسعه قدرت و ثروت است. این سیاست از نگاه عقل و دین و فطرت باطل است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۴۳۲)؛ دوم، سیاست حیوانی که اداره کشور را بر پایه ارضای خواهش‌های نفسانی و تمایلات حیوانی و تأمین رفاه و آسایش مادی قرار می‌دهد و ابعاد دیگر انسان مغفول می‌ماند (همان)؛ سوم، سیاست الهی که در این نوع سیاست تمام ابعاد وجود انسان و همه مصالح جامعه، مورد توجه قرار می‌گیرد و دولت و حکومت براساس همه ابعاد و زوایای وجودی انسان و تمامی مصالح جامعه، امور کشور را تدبیر می‌کند و در جهت تأمین نیازهای مادی و رفاهی تلاش جدی دارد، برای شکوفایی ارزش‌های الهی و کمالات معنوی و سعادت دنیا و آخرت مردم برنامه‌ریزی و ساماندهی می‌کند (همان).

چنین سیاستی از شئون پیامبر اعظم و ائمه هدی علیهم‌السلام است و از اهدافی است که پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آن مبعوث شد. البته پس از پیامبر اعظم علیهم‌السلام و ائمه هدی علیهم‌السلام به تبع آنها، این منصب از آن فقیهان بیدار، آگاه به مسائل جامعه و متعهد به آزادی و استقلال کشور است (همان،

ص ۴۳۳).

وظایف سیاستمداران و کارگزاران نظام اسلامی، اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کجروی‌ها و تأمین آزادی بر معیار عقل و عدل و نیز جلوگیری از استعمار و استثمار و استبعاد است و همچنین، اجرای حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی جامعه می‌باشد و راه بردن جامعه براساس موازین عقل، عدل و انصاف است (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۵).

۵. توکل به خدا

امام خمینی رحمته الله علیه همواره بر این نکته تأکید داشتند که به خداوند اتکال داشته باشید و اعتقاد داشت که پیروزی انقلاب اسلامی، سقوط حکومت شاهنشاهی، استقرار جمهوری اسلامی، پیروزی در دفاع هشت ساله و کشف توطئه‌ها و سرکوب شدن نقشه‌های خائنانه همه به این علت بود که ملت ایران به خدا توکل کرد (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴-۲۲۰)؛ امروزه نیز ایجاد و احیای تمدن اسلامی بی‌تردید به توکل بر خدا وابستگی تام دارد.

معنا و مفهوم توکل

توکل در لغت به معنای اعتماد کردن و واگذاری امر به شخص مورد اعتماد است؛ بدان سبب که خود را در سامان دادن به آن امر ناتوان می‌بیند. توکل آشکار ساختن ناتوانی خویش و تکیه کردن بر توانایی دیگری است.^۱

توکل در اصطلاح عارفان نیز به معنای واگذاری تمامی امور به مالک آنهاست و اعتماد نمودن به وکالت اوست (کاشانی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱) و برخی توکل را با دو بنیان وثیق توضیح داده‌اند؛ یکی، عبودیت و بندگی خدا و دوم، اعتقاد جازم به ربوبیت حق تعالی و در این باره گفته‌اند: یعنی توکل صرف کردن بدن در عبودیت خدا و پیوند قلب با ربوبیت اوست^۲ (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴). براساس سخن اخیر که توکل با عبودیت و اعتقاد به ربوبیت ارتباط وثیق و عمیق دارد، توکل دارای مراتب و درجات خواهد بود، زیرا عبودیت و معرفت به ربوبیت دارای مراتب و درجات است.

۱. التوکل اظهار العجز و الاعتماد علی غیرک (جوهری، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۱۸۴۴-۱۸۴۵).

۲. التوکل طرح البدن فی العبودیه و تعلق القلب بالربوبیه (قشیری، ۱۳۹۲، ص ۲۶۳).

ارکان توکل

از نگاه امام خمینی علیه السلام، قوام توکل بر چهار امر است و بدون آن امور توکل به خداوند معنا ندارد: «اول اینکه باور داشته باشیم که خداوند بدانچه ما بدان نیاز داریم، آگاه است؛ دوم، ایمان داشته باشیم که او قادر است و می‌تواند نیازهای ما را تأمین کند؛ سوم اینکه او بخیل نیست و چهارم اینکه محبت و رحمت بر بندگان دارد، پیداست اگر هر یک از این ارکان نباشد، اعتماد صورت نمی‌پذیرد. کسی که بخواهد به مقام توکل بار یابد، باید از مرتبه علم به مرتبه ایمان و اعتقاد رسیده باشد و ارکان توکل را با علم و معرفت و تلقین و تذکر و ریاضت و تمرین به قلب خود برساند و از درون به این حقایق باور داشته باشد» (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۰-۲۰۵).

نگاه متفاوت افراد به توکل

امام خمینی علیه السلام در باب توکل، مردم را به سه گروه تقسیم می‌کند: «گروه نخست خدا را قبول دارند، اما ربوبیت و احاطه قیومیه او و اینکه همه چیز در تحت تصرف اوست را باور ندارند و چشم و دل آنان در گرو اسباب است، این گروه نسبت به امور دنیاوی چشم‌بسته با جان و دل به سراغ علل و عوامل و اسباب و مسببات می‌روند و در امور اخروی این کلمه را ورد زبان خود قرار می‌دهند که خدا بزرگ است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵-۲۱۷)؛ گروه دوم با علم و معرفت تصدیق دارند که خداوند مقلد امور است و مؤثر واقعی و مسبب اسباب، اوست و در دار وجود خالق، مدبر، مدیر خداوندی است که عالم و قادر است و رثوف و رحیم است و هیچ‌گونه بخلی در او فرض ندارد، ولی این افراد این علم و معرفت را به قلب خویش نرسانده‌اند، از این‌رو در امور تزلزل دارند و عقل آنان با قلبشان در نزاع و درگیری است. توکل این گروه ناقص است و راه به جایی نمی‌برند» (همان)؛ گروه سوم، افزون بر عقل، قلب آنان نیز باور کرده و ایمان آورده که خداوند مؤثر حقیقی است و جز او مؤثری نیست و با قلم عقل در الواح قلوبشان ارکان توکل نقش بسته است. این گروه صاحب مقام توکل هستند. البته این گروه نیز در مراتب ایمان و درجات یقین متفاوتند (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۵-۲۱۷).

خاستگاه توکل

امام خمینی علیه السلام مبدأ و ریشه توکل را امری فطری می‌داند، زیرا در ذات و سرشت انسان فطرت افتقار، نهادینه شده است و جمیع افراد بشر در ذات، صفت، کمال خود را به خداوند غنی مُغنی وابسته و نیازمند می‌یابند، بلکه هر یک از پدیده‌ها در تمام عوالم وجود، خود را وابسته ذات

باری تعالی می‌یابد و همواره با زبان ذات می‌گویند: ما محتاجیم، فقیریم و وابسته‌ایم و چون تمامی سلسله‌های موجودات یکپارچه و یک زبان سخن از افتقار دارند، همین امر ریشه و مبدأ توکل به خداست؛ بنابراین، یکی از لطایف و حقایقی که در فطرت تمام افراد بشر به قلم قدرت ازلی ثبت شده و از فطریات به شمار می‌آید، فطرت افتقار است که خاستگاه توکل است (همان).

آسیب‌شناسی توکل

برخی پنداشته‌اند که توکل با تلاش و کوشش ناسازگار است؛ این سخن گزاف را امام خمینی رحمته‌الله از برخی عارفان نقل می‌کند و در پاسخ می‌گوید: «ترک تلاش و کوشش و وانهادن کسب و کار به استناد توکل بر خداوند ناآگاهی و بی‌معرفتی است (همان). سالک الی‌الله برای تصحیح مقام توکل، باید به اسباب ظاهری دل نبندد و از آنها حاجت نخواهد؛ اما نه اینکه از آنها بهره‌برداری نکند و تلاش و کوشش را وانهد» (همان). امام خطاب به فرمانده فلسطینی فرمودند که اگر می‌خواهید ملت فلسطین را نجات دهید، راهش این نیست که به سراغ شوروی و آمریکا یا این دربار و آن دربار بروید، توکل به خدا کنید و شمشیر به دست بگیرید، خداوند حامی شماست و ملت‌ها به شما کمک می‌کنند (رجائی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۶).

۶. وحدت اسلامی

یکی از مؤلفه‌ها و عناصر مهم تمدن اسلامی «وحدت اسلامی» است؛ این وحدت فراتر از آن وحدتی است که در جوامع بشری بین گروه‌ها، احزاب، سازمان‌ها، اقوام و قبایل مطرح است؛ از نگاه امام خمینی رحمته‌الله کل جامعه به منزله یک شخص و آحاد جامعه به منزله اعضای آن می‌باشند و تمام تلاش‌ها و فعالیت‌ها برای تأمین مصالح این شخص است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹). اهمیت این نگاه در دوران معاصر که سخن از جهانی شدن و کم‌رنگ شدن حدود و ثغور جغرافیایی است؛ بسیار درخور توجه است؛ به‌ویژه اینکه امام، وحدت اسلامی را بر پایه آموزه‌های دینی تقریر و تثبیت می‌کند و آن را تکلیف الهی می‌داند.

مقصود از وحدت اسلامی این است که همه مسلمانان براساس آموزه‌های دینی و تعالیم قرآنی و روایی، برادری، الفت، صداقت و صفای ظاهری و باطنی را اساس برنامه زندگی اجتماعی خود قرار دهند و با یکدیگر، برادران خوش‌رفتار، دوستان شفیق و یاران صدیق باشند و با هم ارتباط و پیوند وثیق و عمیق داشته باشند و پیوسته مصالح اسلام و مسلمین را در نظر داشته باشند و در شرایط سخت و دشوار یکدیگر را تنها نگذارند و از نفاق، اختلاف و تفرقه سخت برحذر باشند که

بی‌تردید اختلاف و تفرقه موجب شکست، انحطاط و سقوط است. وحدت اسلامی یکی از راهبردهای کلان تمدن اسلامی و آرمان بزرگ امام خمینی علیه السلام و از ارکان اندیشه و محور خط‌مشی عملی آن بزرگوار به شمار می‌آید و در آثار ایشان با عنوان‌های مختلف از آن یاد شده است: وحدت امت اسلامی، وحدت مسلمین، وحدت پیروان ادیان الهی در برابر مشرکین و ملحدین، وحدت مستضعفان در مقابل مستکبران و... گستردگی موضوع وحدت اسلامی در آثار امام خمینی به گونه‌ای است که نمی‌شود در یک مقاله به همه مباحث آن پردازیم، از این رو تنها به سه موضوع بنیادین در این باره می‌پردازیم:

خاستگاه وحدت اسلامی

وحدت اسلامی در نگرش امام خمینی علیه السلام بر پایه آیات شریفه و روایات اهل بیت علیهم السلام تبیین شده است؛ بنابراین، دین مبین اسلام خاستگاه وحدت اسلامی و حفظ وحدت، تکلیف شرعی است. «یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام سلام الله علیهم که افزون بر آنکه خود، مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله نیز می‌باشد؛ توحید کلمه و توحید عقیده است... و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری است (بدان‌سان) که نوع بنی آدم، تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله یک شخص و افراد به منزله اعضا و اجزای آن باشند و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها حول یک مقصود بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی که صلاح جمعیت و فرد است، چرخزند. اگر چنین مودت و اخوتی در بین مسلمین پدید آید، بر تمام طوائف و ملکی که بر این طریقه نباشند، غلبه کنند چنان‌که در صدر اسلام به دلیل وجود این وحدت در اندک زمانی بر قدرت‌های بزرگ آن زمان ایران و روم غلبه کردند و با عده اندک بر لشکرهای گران و جمعیت‌های بی‌پایان غالب شدند» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹).

از سخنان امام خمینی علیه السلام این نتایج حاصل می‌شود که: ۱. وحدت اسلامی و وحدت میان مسلمانان عاملی بسیار مؤثر در تشکیل مدینه فاضله و احیای تمدن اسلامی است؛ ۲. موضوع وحدت اسلامی مورد تأکید ائمه هدی علیهم السلام و به‌عنوان یک تکلیف الهی است و می‌توان آن را یکی از اهداف نظام سیاسی اسلام دانست.

راهبردهای ایجاد وحدت

وحدت اسلامی در اندیشه امام خمینی علیه السلام دارای عرصه‌های گوناگون است که از وحدت افراد و

اقتشار جامعه آغاز می‌شود و در مراتب بعدی آن، وحدت ملت، وحدت مسلمین، وحدت پیروان ادیان الهی و وحدت مستضعفان جهان موضوعیت می‌یابد؛ راهبردهای ایجاد وحدت اسلامی یکی از مباحثی است که مورد توجه ویژه امام خمینی علیه السلام قرار گرفته و در مورد آن سخن بسیار گفته است. در اینجا تنها به عناوین ده راهبرد اشاره می‌کنیم:

۱. تلاش در جهت ایجاد هدف واحد که وحدت هدف، رمز موفقیت و پیروزی است (تبیان، دفتر پانزدهم، ص ۶۹-۷۴) // در منابع نیست //؛
۲. انگیزه الهی داشتن و ایمان به خدا و اتکال به او عامل وحدت است (همان، ص ۷۵-۸۲).
۳. اعتقاد به امداد الهی و تأیید غیبی و همراهی خداوند، افراد را امیدوار و در یک صف قرار می‌دهد (همان، ص ۸۳-۸۸)؛
۴. شعائر دینی مثل نماز جماعت، نماز جمعه، فریضه حج و... عامل وحدت است (همان، ص ۹۲-۹۵)؛
۵. مراسم مذهبی مثل برپایی عاشورا، اربعین، نیمه شعبان و اعیاد ... (همان، ص ۹۱-۹۴)؛
۶. نام و یاد حضرت سیدالشهدا، خود برای ایجاد وحدت موضوعیت دارد (همان، ص ۹۳)؛
۷. وجود تشکیلات مناسب و درخور شأن دین مبین اسلام (همان، ص ۹۸-۱۰۰)؛
۸. پرهیز از طرح مسائل تفرقه‌انگیز و اصرار نکردن بر سلیقه‌ها و برداشت‌ها (همان، ص ۱۰۶)؛
۹. خودداری از هرگونه عمل تفرقه‌انگیز به‌عنوان یک وظیفه شرعی و الهی (همان، ص ۱۰۵)؛
۱۰. چشم‌پوشی از توقعات، کاستی‌ها، نواقص و گلابه‌ها ... (همان، ص ۱۰۵ و ۱۰۷).

آثار و نتایج وحدت اسلامی

امام خمینی علیه السلام با استناد به آیه شریفه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰) لزوم وحدت و اخوت بین مؤمنان را بسیار ضروری دانسته و در وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش از علمای اعلام و خطبای کشورهای اسلامی خواسته است که ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است، بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند، دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده است. باور امام خمینی علیه السلام این است که ما هرچه داریم از ایمان و وحدت کلمه است (همان، ج ۶، ص ۳۴۷). برای نمونه به برخی از نتایج وحدت اسلامی از زبان امام خمینی علیه السلام اشاره می‌کنیم: ۱. پیروزی اسلام و تحقق بزرگ‌ترین قدرت جهانی از سوی مسلمانان (همان، ج ۲۲، ص ۴۰۴)؛ ۲. افزایش مقاومت، قدرت و استواری و صدمه‌ناپذیری مسلمین (تبیان، دفتر پانزدهم، ص ۱۴۲ و ۱۵۰)؛ ۳. لرزاندن پشت ابرقدرت‌ها و قدرت‌های گول‌آسا (همان، ص ۱۲۵، ۱۲۸)؛ ۴. کندن ریشه ظلم و استبداد، طرد طاغوت و غلبه بر قدرت‌های شیطانی (همان، ص ۱۳۹)؛ ۵. رشد و پیشرفت ظاهری و باطنی،

مادی و معنوی (همان، ص ۱۴۱ و ۱۴۴). در اینجا، تنها به یک متن از سخنان امام خمینی علیه السلام بسنده می‌کنیم: «این جانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار شود و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است، از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است... امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند؛ خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه‌برانداز است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۷، ص ۴۰۴).

۷. امت اسلامی

یکی از مؤلفه‌های بنیادین تمدن اسلامی به وجود آمدن امت واحد جهانی و از میان رفتن قید و بندهای دنیوی و جغرافیایی است؛ یعنی تحت حاکمیت قانون الهی، امت واحد اسلامی جهانی تحقق یابد و چنان‌که می‌دانیم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله عهده‌دار این رسالت بود که همگان را به چنین قانون جهانی‌شمولی فراخواند و آنها را در امت واحد اسلامی گرد آورد. ماهیت دین مبین اسلام نیز از همان آغاز، ماهیتی جهانی داشت. امام خمینی علیه السلام نیز از آنجا که یک فقیه و اسلام‌شناس جامع بود و در چارچوب آموزه‌های دینی، دیدگاه‌های خود را بیان می‌کرد، از جمله اصطلاحات پایه‌ای اسلامی که ایشان به کار برده و آرمان حقیقی‌شان بوده است؛ اصطلاح امت اسلامی است.

امام خمینی علیه السلام با استناد به خطاب‌های قرآن کریم همچون «یا أَيُّهَا النَّاسُ» و «یا ایها المؤمنون» می‌فرماید: اسلام برای همه بشر آمده است و بعثت برای همه است. اسلام می‌خواهد همه را زیر پوشش خود قرار دهد و در زیر سایه اسلام مشکلاتشان را حل کند (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۳۷، ۴۴۰، ۵۳۰) و نیز با استناد به روایاتی همچون «کلکم راع و کلکم مسئول...» نتیجه می‌گیرد که ما موظفیم در اقصای بلاد دنیا هر اندازه که می‌توانیم از حقوق مسلمین دفاع کنیم و اگر به وظیفه خود عمل نکنیم، مسلمان نیستیم (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۶۰). امام خمینی علیه السلام در پرتو چنین نگرشی اعتقاد داشت:

۱. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را، همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند (همان، ج ۱۳، ص ۴۴۳)؛

۲. ما نمی‌توانیم حساب خودمان را از حساب سایر مسلمین جدا کنیم (همان، ج ۱۵، ص ۳۷۰)؛

۳. من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت

اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند (همان، ج ۲۱، ص ۹۱)؛
 بر همین اساس نگرش امام خمینی علیه السلام نسبت به ملی‌گرایی، نگرشی درخور توجه است: به
 اعتقاد ایشان وطن به‌عنوان زادگاه شخص از نظر اسلام قابل احترام است و حب و علاقه به آن امر
 اساسی و مهم است و ملی‌گرایی به معنای میهن‌دوستی مورد تأیید است؛ اما ملی‌گرایی به‌عنوان یک
 ایدئولوژی غربی و ایدئ استعماری، مطرود و خلاف اسلام است و نقشه مهم قدرت‌های بزرگ به
 منظور سلطه بر مسلمانان و غارت مخازن و منابع و ثروت‌های آنان است، عامل تفرقه ملت‌ها و
 عامل دشمنی میان مسلمانان و حربه‌ای در جهت مقابله با اسلام و حکومت اسلامی است. ایشان
 در این باره می‌فرماید: «نقشه‌های قدرت‌های بزرگ که می‌خواهند مسلمین را زیر سلطه خود بیاورند
 و مخازن آنها را به غصب ببرند و اموال آنها را به چپاول ببرند، از سال‌های طولانی دنبال نقشه‌هایی
 بوده‌اند که از نقشه‌های بزرگ آنها مسئله ملت‌گرایی است» (همان، ص ۴۴۳). «آن ملی‌گرایی که به
 دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود، برخلاف اسلام و مصلحت
 مسلمین و از حیل‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند» (همان، ص ۲۰۹).

۸. راهبردهای امام خمینی علیه السلام در جهت تحقق امت اسلامی

امام خمینی علیه السلام برای تحقق امت اسلامی و عملی شدن آن، راهبردهای بسیار دقیق و بزرگی را
 مطرح کرده است. به چند مورد آن اشاره می‌شود:

الف) صدور انقلاب: نهضت اسلامی در ایران نهضتی اسلامی است و متعلق به تمام مسلمین
 در سراسر عالم است: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم
 ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت اروحنا فداه است»
 (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷)؛ «ما برای اسلام نهضت کردیم، نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور
 باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام
 دنباله نهضت انبیاست، نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اهل عربستان
 است، ولی دعوتش مال همه عالم است» (همان، ج ۱۰، ص ۴۴۶)؛

ب) پشتیبانی از همه مسلمین: امام خمینی علیه السلام بر مبنای تکلیف الهی، به ظلم‌زدایی،
 استکبارستیزی، حمایت از مظلوم و حق‌گرایی می‌پردازد و به‌طور صریح و قاطع آن را اعلام
 می‌کند: «ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و
 آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم، ما بار دیگر پشتیبانی بی‌دریغ خود را از برادران مسلمان و
 مظلوم افغانی اعلام می‌داریم و اشغال اشغالگران را شدیداً محکوم می‌نماییم (همان، ج ۱۲،

ص ۱۳۸)؛ «من بار دیگر پشتیبانی خودم را از تمام نهضت‌ها و جبهه‌ها و گروه‌هایی که برای رهایی از چنگال ابرقدرت‌های چپ و راست می‌جنگند، اعلام می‌کنم، من پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و لبنان عزیز اعلام می‌دارم (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۳)؛

ج) برپایی راهپیمایی‌های بین‌المللی اسلامی: از همان آغاز انقلاب اسلامی مسئله فلسطین و آرمان قدس جزء دغدغه‌های امام خمینی علیه‌السلام بوده است. از نظر ایشان آرمان رهایی فلسطین اصولی‌ترین مسئله جهان اسلام و اسرائیل به‌عنوان دولت متجاوز، غاصب و دست‌نشانده قدرت‌های بزرگ محکوم به نابودی است. براساس این اندیشه، پس از گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به‌عنوان روز قدس انتخاب و از همه مسلمین خواست که طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند (همان، ج ۹، ص ۲۶۷)؛

د) طرح تشکیل دولت جهانی اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل: از نگاه امام خمینی علیه‌السلام همگرایی جهان اسلام و آرمان امت اسلامی و تحقق وحدت اسلامی آنگاه عینیت می‌یابد که همه مسلمین به سوی تشکیل دولت جهانی اسلامی در کنار جمهوری‌های آزاد و مستقل پیش روند. این طرح بدیع و مهم در وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان بیان شده است: «و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید... و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رسانید» (همان، ج ۲۱، ص ۴۴۸).

۹. پیشرفت اسلامی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی، پیشرفت اسلامی است، فرایندی که مؤلفه‌های دیگر تمدن اسلامی را جهت می‌دهد و در حقیقت جامعه را به سوی تمدن اسلامی رهسپار می‌سازد. در اینجا سه سؤال کلیدی مطرح است: ۱. ماهیت و حقیقت پیشرفت اسلامی از نگاه امام خمینی علیه‌السلام چیست؟ ۲. الگوی پیشرفت اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۳. آیا آنچه امروز حکومت‌ها و دولت‌ها آن را پیشرفت می‌دانند، از نظر امام خمینی علیه‌السلام رو به تمدن دارد؟

۹-۱. ماهیت و حقیقت پیشرفت اسلامی

ماهیت و حقیقت پیشرفت ریشه در انسان‌شناسی دارد؛ انسان از دیدگاه امام خمینی علیه السلام موجودی جامع و ذومراتب است؛ ۱. مرتبه دنیاوی و مادی؛ ۲. مرتبه برزخی و مثالی؛ ۳. مرتبه اخروی و روحانی و هر یک از این مراتب کمال خاص، تربیت مخصوص و رفتار مناسب آن مرتبت و مقام را دارد. انسان جامع الابعاد، پیوسته در حال صیوروت، خلاقیت، تعالی، پیشرفت و رهسپاری به سوی خداوند ذوالجلال است. متأسفانه این بن‌مایه پیشرفت و تکامل مورد غفلت بسیاری از مکاتب فکری قرار گرفته است؛ زیرا انسان را مثل سایر حیوانات پنداشته‌اند (همان، ج ۴، ص ۹ و ۱۸۶)؛ بر این اساس، اگر صیوروت انسان و جامعه با مدیریت عقل و وحی باشد، انسان و جامعه رو به پیشرفت خواهد بود؛ اما اگر صیوروت و شدن انسان و جامعه با مدیریت قوای حیوانی وجود آدمی می‌باشد، انسان و جامعه رو به پسرفت است. «اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی جامع بسازد، یعنی رشد به آن‌طور که هست بدهد. حظّ طبیعت دارد، رشد طبیعی به او بدهد، حظّ برزخیت دارد، رشد برزخیت به او بدهد، حظّ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد، حظّ عقلانیت دارد، رشد عقلانیت به او بدهد، حظّ الهیت دارد، رشد الهیت به او بدهد» (همان).

۹-۲. الگوی پیشرفت اسلامی از نگاه امام خمینی علیه السلام

الگوی پیشرفت اسلامی چند ویژگی دارد:

۱. استقلال فرهنگی: بی‌تردید بن‌مایه پیشرفت اسلامی استقلال فرهنگی است؛ «ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است. بی‌جهت و من‌باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غربی‌ها و اخیراً آمریکا و شوروی قرار گرفت» (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۴)؛

۲. حضور همه‌جانبه دین و معنویت در تمامی عرصه‌های زندگی: پیشرفت اسلامی آنگاه تحقق جدی دارد که تمامی عرصه‌های زندگی انسان اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و حتی در امور جزئی روزمره دین و معنویت حضور داشته باشد؛ «آن چیزی که انبیا می‌خواستند این بود که همه امور را الهی کنند؛ تمام ابعاد عالم را و تمام ابعاد انسان را، انبیا برای این آمدند که همه اینها را الهی کنند. انبیا این‌طور بودند که معاشرت‌هایشان هم جنبه الهی داشته است، ازدواج‌هایشان هم جنبه الهی داشته، همه چیزشان، اگر جنگ می‌کنند، جنگ‌هایشان

الهی و برای اوست، اگر صلح می‌کنند، صلح‌هایشان هم الهی است و برای اوست» (همان، ج ۸، ص ۶۲)؛

۳. شناختن و ساختن آینده: پیشرفت اسلامی در صورتی امکان تحقق دارد که آینده به درستی شناخته شود، به درستی برنامه‌ریزی و ساخته شود و این مهم با توجه به نظریه جامع و کامل امام در مورد اجتهاد (که ناظر به اقتضائات زمان و مکان و موقعیت‌ها و شرایط است)، قابل اجرا است: «اسلام مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است» (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۲).

۹-۳. الگوی پیشرفت دنیای معاصر، رو به توحش دارد

عبارات ایشان در این باره شیوا، رسا و جامع است: «ما راجع به همین پیشرفت‌هایی که اینها کرده‌اند باید بنشینیم حساب کنیم، ببینیم که آیا این پیشرفت‌ها رو به تمدن دارد می‌رود، یا رو به توحش دارد می‌رود؟ من تعبیرم این است که آمریکا و سایر این دول غربی، شرقی، اینها ترقیاتی کرده‌اند، به این معنا که انسان‌ها را دارند حیوان درنده بار می‌آورند، تمام این کارها که کرده‌اند برای درندگی است. دنبال این هستند یک حیواناتی درست کنند که این حیوانات درنده باشند، بدتر از حیوانات درنده، اینها تمدن نیست، بلکه رو به توحش دارد» (همان، ج ۸، ص ۱۰۰).

نتایج پژوهش

نتایج به دست آمده از این پژوهش این است که از نگاه امام خمینی رحمته‌الله:

۱. تمدن مادی، همه پیشرفت را در امور مادی و دنیوی خلاصه کرده و معنویت و توحید را طرد کرده است؛ اما تمدن اسلامی میان دنیا و آخرت، میان رفاه مادی و سعادت اخروی و میان علم و عقل و دین جمع کرده است؛

۲. در تمدن اسلامی، تخصص همراه با تعهد و التزام دینی تعریف می‌شود. دانش‌افزایی، تولید علم، فناوری و توسعه و پیشرفت مادی بدون تقویت باورهای دینی کژراهه است، متخصص غیر تعهد و فاقد تربیت انسانی به حال کشور مضرب است و تخریب‌کننده تمدن اسلامی است؛

۳. مؤلفه‌های تمدن اسلامی عبارت است از: علم و دانش، دین و معنویت، امنیت، به‌کارگیری کامل راهبردهای ایجاد و تقویت امنیت، سیاست، توکل به خدا، وحدت اسلامی، امت اسلامی، به‌کارگیری راهبردهای ایجاد امت اسلامی و پیشرفت اسلامی، این منظومه تمدن اسلامی را شکل

می دهد؛

۴. هیچ حرکت و عملی از فرد و یا جامعه نیست، مگر اینکه اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است و اسلام در سایه این نظام سازی علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زمینه ایجاد تمدن اسلامی را تأمین کرده است؛

۵. اجتهاد جامع و کامل امام علیه السلام که ناظر به اقتضائات زمان و مکان و لحاظ موقعیت ها و شرایط است. در جهت نظریه پردازی برنامه ریزی و مدیریت اجتماعی، ظرفیت بسیار مهم است؛

۶. امام خمینی علیه السلام شخصیت تاریخ ساز، متعلق به همه مسلمانان و مستضعفان عالم است و وصیت نامه سیاسی الهی او توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب است؛ از این رو مشاهده می شود که این وصیت نامه با نگرش فراملی امت گرایانه و تمدن ساز نگارش یافته است.

منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
۱. ابن فارس (۱۴۱۰ق)، معجم مقائیس اللغة، بیروت: الدار الاسلامیه.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۳. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام (مجموعه ۲۳ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
 ۴. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
 ۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۹۱)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
 ۶. انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
 ۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۸ق)، صحاح اللغة، بیروت: دارالفکر.
 ۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷)، حدیث ولایت، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۹. دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۷۷)، حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه دهخدا.
 ۱۱. رجائی، غلامعلی (۱۳۹۳)، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
 ۱۲. سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴، جزوه چاپ نشده.
 ۱۳. قشیری، الکریم ابن حوازن (۱۳۹۲)، الرسالة القشیریة، تهران: سخن.
 ۱۴. کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۷۲)، شرح منازل السائرین، قم: بیدار.
 ۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۶. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
 ۱۷. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲)، تقویم تاریخ و فرهنگ اسلام در ایران، تهران: امیرکبیر.